

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۶۱۰۵

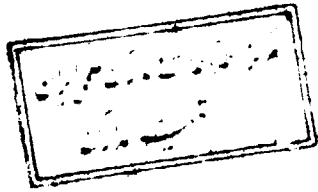
نقش پاکستان در تحولات افغانستان پس از خروج شوروی

بیان نامه ارائه شده به گروه سیاسی

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی



برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین الملل

توسط :

جعفر زمانی

دکتر عبدالعلی قوام

استاد راهنما:

۱۳۰۱۶ / ۲

بهار

۲۰۴۵

۱۳۷۷

۲۶۱۰۵

برگه تأیید پایان نامه

عنوان پایان نامه : نقش پاکستان در تحولات افغانستان پس از خروج شوروی

نام دانشجو : جعفر زمانی

دوره : کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

این پایان نامه در جلسه ۱۱/۱۲/۷۲ با نمره ۱۲/۵ و درجه بسیار خوب مورد تأیید
اعضاء کمیته پایان نامه ، متشکل از استادان زیر ، قرار گرفت :

استاد راهنما

دکتر عبدالعلی قوام

استاد مشاور

دکتر محمد رضا تاجیک

استاد ناظر

دکتر میر عرب

امضاء:

امضاء:

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی بهار ۷۶ تا بهار ۷۷ به انجام رسیده است. به استثناء کمکهای مورد اشاره در مقدمه، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.

جعفر زمانی

بهار ۱۳۷۷

تقدیم به پدر و مادرم

چکیده

عنوان پایان نامه : نقش پاکستان در تحولات افغانستان پس از خروج شوروی

دانشجو : جعفر زمانی استاد راهنما : دکتر عبدالعلی قوام

دوره : کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی شهید بهشتی

تاریخ ارائه پایان نامه : تابستان ۱۳۷۷

وجود بحران در هر کشوری گرچه ریشه در اختلافات فرهنگی - اجتماعی و یا سیاسی - اقتصادی آن دارد اما نباید نقش عوامل خارجی در تشدید و ادامه آنرا، نادیده گرفت. بحران افغانستان، مصداق بارز این مدعاست. قبل از اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹، دخالت‌های آن در شئون داخلی افغانستان، موجب جابجائی قدرت و حکومت در بین عناصر کمونیست می شد. در این مرحله نظام بین الملل عکس العمل زیادی به آن نشان نمی داد اما با ورود نیروهای شوروی به خاک افغانستان، این کشور میدان بازیها و استراتژیهای مبارزه با کمونیست شده و کشور پاکستان بعنوان مجری این استراتژیها جایگاه ویژه ای یافت. از این به بعد مسئله افغانستان از حالت منطقه ای خارج شده و ابعاد بین المللی به خود گرفت.

پس از خروج شوروی، پاکستان که تامین امنیت ملی، تمامیت ارضی و منافع خود را در گرو چگونگی حل و فصل بحران می دید، بیشترین اهتمام خود را بکار بست تا حکومت آینده افغانستان را دست نشانده خویش نماید. بدست آوردن متحد جدید در مسئله کشمیر، روشن نشدن شعله اختلافات مرزی و به خطر افتادن تمامیت ارضی، کاهش فشار پشتو نژادان ساکن در قلمرو پاکستان، بهره برداری از منابع معدنی و اقتصادی افغانستان و دسترسی به آسیای میانه و بهره برداری از منافع سیاسی و اقتصادی آن،

از جمله اهدافی هستند که پاکستان بدنبال آن می باشد.

با توجه به نفوذ گسترده پاکستان بین مبارزین افغانی، ابزار نظامی کارآمدترین دستاویز پاکستان برای دستیابی به اهداف فوق بشمار می رود. البته در این راه ابزارهای دیپلماسی، اقتصادی و فرهنگی - تبلیغاتی از نظر دور نمانده و در هنگام مقتضی استفاده می شود. تشکیل دولت موقت مجاهدین پس از سقوط نجیب الله و سپس ایجاد گروه طالبان و تقویت آن، از مصادیق فعالیت گسترده پاکستان جهت بدست آوردن جایگاه مطمئن در افغانستان می باشد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است اقدامات پاکستان با توجه به اصطکاک منافع با سایر کشورهای همسایه و منطقه و همچنین وجود اختلافات مذهبی، قومی، نژادی و ... در داخل افغانستان، موجب تداوم بحران تا حال حاضر شده و دستیابی به يك راه حل سیاسی را غیر ممکن ساخته است و به نظر میرسد با توجه به موفقیت های چشمگیر جناحهای طرفدار پاکستان در افغانستان و حمایت متحدان غربی و منطقه ای پاکستان از آنان، اتخاذ سیاستهای مقابله جویانه با طالبان از سوی جمهوری اسلامی ایران، کارائی خود را از دست داده و بایستی ضمن در نظر گرفتن منافع ملی، نسبت به حل و فصل بحران با همکاری پاکستان و سایر کشورهای ذینفع، اقدام جدی صورت گیرد. در این خصوص پیشنهاداتی در قسمت نتیجه گیری آمده است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	پنج تا شش
فهرست مطالب	هفت تا ده
مقدمه	۱
بهره اول : کلیات	۱۱
فصل اول : تاریخ روابط پاکستان و افغانستان	۱۲
الف - روابط هند و افغانستان قبل از استقلال و تقسیم شبه قاره	۱۲
۱- روابط افغانستان و انگلستان در قرن نوزدهم	۱۳
۲- معاهده دیوراند و ادامه سیاست استعماری انگلیس	۱۵
ب - پشتونستان معضل روابط دو کشور	۱۷
۱- روابط هند (انگلیس) و افغانستان	۱۷
۲- مسئله پشتونستان پس از استقلال پاکستان	۱۹
ج - روابط پاکستان و افغانستان در دوران سلطه شوروی	۲۳
۱- پیامدهای اشغال افغانستان برای پاکستان	۲۵
۲- دیپلماسی پاکستان در قبال افغانستان تحت اشغال	۳۰
*** قبل از خروج نیروهای شوروی	۳۰
*** مواضع پاکستان بعد از توافقات ژنو	۳۴
پانوشتهای فصل اول	۳۸

فصل دوم : نگاهی به سیاست و حکومت در افغانستان (از حکومت

نجیب تا ظهور طالبان)	۴۱
الف - امضای موافقتنامه ژنو و پایان اشغال افغانستان	۴۱
ب - حکومت نجیب الله	۴۷
۱- روی آوردن به نظام قبیله ای	۴۹
۲- ترمیم کابینه و تبلیغ دولت ملی	۵۰
۲- اسلام گرایی	۵۲
۴- درخواست کمکهای بین المللی	۵۲
۵- اقدامات امنیتی	۵۴
۶- استراتژی اتهام و مذاکره	۵۵
ج - ظهور گروههای جهادی و نقش پاکستان	۵۷
۱- جمعیت اسلامی افغانستان	۵۷
۲- جبهه نجات ملی افغانستان	۵۹
۳- حزب اسلامی افغانستان (حکمتیان)	۶۰
۴- حزب اسلامی یونس خالص	۶۱
۵- اتحاد اسلامی افغانستان	۶۲
۶- جبهه ملی اسلامی (محاذ ملی) افغانستان	۶۲
۷- حرکت انقلاب اسلامی	۶۳
۸- گروههای شیعه	۶۴
۹- جنبش ملی - اسلامی افغانستان	۶۷
د : حکومت مجاهدین و تداوم بحران	۶۷
۱- اختلافات حکمتیار با دیگر گروهها	۶۸
۲- اختلافات گروههای شیعه با سایر احزاب	۷۲
پانوشتهای فصل دوم	۷۵
جمع بندی	۸۰

بهره دوم : بررسی منافع و اهداف پاکستان در افغانستان	۸۴
فصل اول : نقش پاکستان در تداوم بحران	۸۵
الف - تشکیل و حمایت اولیه از دولت انتقالی موقت	۸۵
ب - ظهور طالبان در صحنه سیاسی - نظامی افغانستان	۹۱
۱- زمینه ظهور طالبان	۹۱
*** نفوذ فزاینده فارسی زبانان	۹۱
*** شکست تلاشهای پاکستان در ایجاد صلح	۹۲
*** سازمان ملل و طرح ایجاد یک نیروی مسلط	۹۴
*** کوئته ، مرکز تشکیلات اولیه	۹۵
۲- فتوحات طالبان و نقش پاکستان	۹۸
*** اخراج نیروهای شیعه از کابل	۱۰۰
۲- اهداف حامیان طالبان	۱۰۲
*** اهداف آمریکا	۱۰۴
*** اهداف عربستان	۱۰۶
پانوشتهای فصل اول	۱۰۸
فصل دوم : اهداف پاکستان در افغانستان	۱۱۱
الف - سیاسی - امنیتی	۱۱۲
۱- صیانت از تمامیت ارضی و تامین امنیت ملی	۱۱۲
۲- مسئله کشمیر	۱۱۵
۲- بازگشت آوارگان	۱۱۹
ب - اقتصادی	۱۲۰
۱- بهره برداری از منابع	۱۲۰
۲- اهمیت آسیای مرکزی	۱۲۵
*** تجارت و ارتباطات	۱۲۵
*** انتقال انرژی	۱۲۸
پانوشتهای فصل دوم	۱۳۱

۱۳۴	فصل سوم : ابزار سیاست خارجی پاکستان در افغانستان
۱۳۵	الف - دیپلماسی
۱۳۹	ب - نظامی
۱۵۲	ج - اقتصادی
۱۵۴	د - فرهنگی - تبلیغاتی
۱۵۶	پانوشتهای فصل سوم
۱۵۹	نتیجه گیری
۱۶۵	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

در سال ۱۹۱۹ هنگامیکه افغانستان دارای حاکمیت مستقلی شد اتحاد جماهیر شوروی نخستین دولتی بود که این واحد سیاسی را برسمیت شناخت. سال ۱۹۲۱ پس از برقراری روابط سیاسی و انعقاد قرارداد عدم تجاوز بین دو کشور، مناسبات آنان تحکیم و از سال ۱۹۵۴ با سرازیر شدن کمکهای وسیع شوروی روابط دو کشور بیش از پیش گسترش یافت. طبیعی بود بدنبال هر کمک، تعداد زیادی از مستشاران و کارشناسان شوروی وارد افغانستان شده و با انجام تبلیغات خاص خود در بین طبقه جوان، پایگاهی مناسب برای خود بوجود آوردند. البته نباید امتناع غرب از ارائه کمک به افغانستان را در زمینه سازی نفوذ شوروی از نظر دور داشت. در این خصوص گفتنی است تا دهه ۱۹۶۰ علائق امریکا در افغانستان تقریباً از بین رفت در حالیکه کمکهای شوروی به میزان زیادی به پروژه های استراتژیک و زیربنائی اختصاص یافت.^۱ بنابراین از دهه شصت به بعد، اتحاد شوروی عملاً اقتصاد افغانستان را در انحصار گرفت. جمع کمکهای این کشور به افغانستان تا سال ۱۹۷۴ به حدود یک میلیارد دلار رسید. بیش از نیمی از مبادلات بازرگانی خارجی افغانستان از طریق یک سلسله قراردادهای

1- Alex P. Schmind, *Soviet Military Intervention Since 1945*, (Newjersey : Trans action .Inc.New Brunswick,1985), P127.

پایاپای با شوروی انجام می شد.^۱

در این دوره رقابت بین امریکا و شوروی در تقسیم مناطق نفوذ شدت گرفت. مسکو با پیروی از دکترین تهاجمی « برژنف » و در راستای ادامه حرکتی که استالین آغازگر آن بود، در پی تحکیم کانونهای نفوذ مناطق حساس خاورمیانه برآمد تا در صورت بروز یک جنگ تمام عیار، بتواند شریان حیاتی نفت را بر روی نیروهای متخاصم سد کند. روابط شوروی با افغانستان در این دوره با دیدارهای متعدد ظاهر شاه (حاکم وقت) از مسکو بر پایه همکاری (ولی نه صمیمی) استوار بود. روابط شوروی و افغانستان پس از کودتای محمد داودخان در سال ۱۹۷۳، گسترش چشم گیری یافت.^۲ داود برای از میان برداشتن برخی رقبای داخلی خویش در اواخر حکومتش (که شامل جناحهای نظامی هوادار شوروی نیز می شد) به مبارزه پرداخت و در سطح بین المللی با شاه ایران و پاکستان پیشنهادات صلح و دوستی عرضه کرد.^۳ در آوریل ۱۹۷۸، هنگامیکه داود درصدد دستگیری شخصیت‌های اصلی کمونیست برآمد. جناح خلق و پرچم علیه وی کودتایی را صورت دادند که طی آن نور محمد تره کی و حفیظ الله امین به قدرت رسیده و حکومت شکننده ای را بوجود آوردند. مبارزه این حکومت با شیوه های سستی زندگی ، بخش اعظم جمعیت این کشور را رنجیده خاطر ساخت و موجب بروز یک سلسه تمردها و شورشهای مردمی شد.

در سپتامبر سال ۱۹۷۹ در حالیکه تره کی از مسکو بازگشته بود برای کنار گذاشتن امین تلاش ناموفقی را انجام داد اما در نهایت به حذف خودش منجر شده و به شکل مرموزی

۱- اداره پنجم سیاسی وزارت امور خارجه ایران، «اطلاعاتی درباره افغانستان» ، اسفندماه ۱۳۶۰ ، ص ۵۹۸.

۲- کارول سامی وسیلر، شوروی و جهان سوم، ترجمه علیرضا طیب، (تهران : انتشارات قدس ، پائیز ۷۰)، ص ۱۰۳.

۳- همان، ص ۱۰۲.

به قتل رسید. در این دوران اوضاع افغانستان بیش از پیش متشنج شده و هر لحظه بیم سقوط دولت کمونیستی می رفت. رهبری شوروی، ظاهراً به این نتیجه رسید برای روی کار آمدن یک دولت نرم خوتر و جلوگیری از فروپاشی دولت مارکسیستی بهترین کار، اشغال نظامی این کشور می باشد. استمرار کمکهای همه جانبه مالی و نظامی، وجود مستشاران نظامی، وجود انگیزه های قومی و مذهبی در مردم افغانستان، عدم پشتیبانی مردم از حکومت مارکسیستی و بالاخره وجود اختلاف میان جناحهای حزب حاکم دمکراتیک خلق، از دیگر دلایل شوروی در اشغال افغانستان به لحاظ داخلی بود.

به لحاظ بین المللی، اهداف شوروی در اشغال نظامی افغانستان را می توان چنین ارزیابی کرد.

الف: حفظ نفوذ شوروی در منطقه با احراز اطمینان از وفاداری رهبران افغانستان؛

ب: حفظ و تامین امنیت سرزمینی و ثبات سیاسی جمهوریهای آسیای مرکزی در برابر بازگشت احتمالی هویت ملی - اسلامی با توجه به انقلاب اسلامی ایران و علائق مذهبی مردم افغانستان؛

ج: اهداف بلند مدت شوروی در کنترل کشورهای ثروتمند و نفت خیز منطقه و تسلط بر شاهراه نفتی و به زانو درآوردن نظامهای سرمایه داری غرب؛

د: جلوگیری از محاصره کامل شوروی با توجه به نزدیک شدن چین به امریکا و امضای قرارداد صلح و دوستی چین و ژاپن در اوت ۱۹۷۸. ۲۱

در زمان مداخله نظامی در افغانستان، امریکا به لحاظ سیاست خارجی در وضعیت

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک. به آکبر تو رونکی، غولهای بیمار، ترجمه پیروز ملکی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰)، ص ۱۷۱.

2- See Minton F. Goldman, " Soviet Military Intervention In Afghanistan, Roots and Causes" ,**The Policy** ,Vol.16, No.3 (spring 1984).

نابهنجاری به سر می برد. اشغال نظامی کامبوج توسط نیروهای ویتنامی در سال ۱۹۷۸، اشغال نظامی ویتنام توسط چین در سال بعد و بیشتر از همه انقلاب اسلامی ایران، مهمترین مسائلی بودند که بشدت وجه سیاسی امریکا را زیر سوال برد. قبلاً امریکا در ویتنام شکست خورده بود و تبلیغات فراوان شوروی در این زمینه حیثیت بین المللی این کشور را خدشه دار ساخت. از جانب دیگر مداخله نظامی شوروی در افغانستان به مانند انقلاب در ایران، امریکا را با یک مورد پیش بینی نشده روبرو کرد.

چنین تحلیل می شد که « مداخله فیزیکی شوروی بیشتر برای منافعش زیان آور خواهد بود تا سودمند و بنابراین اتفاق نخواهد افتاد.»^۱ هرگونه مداخله در مقایسه با دخالت در سال ۱۹۶۸ این کشور به چکسلواکی منتفی بود. به این ترتیب عکس العمل امریکا با این اقدام شوروی، تدافعی بود. هنگامیکه ریگان به ریاست جمهوری رسید، دکترین «تهاجمی» خود را در مقابل دکترین کارتر عرضه کرد. بنابراین سیاست «محدود سازی» ایالات متحده به سیاست «واپس زدن» تغییر یافت. براساس این نظریه کمونیستها بایستی به مرزهایشان عقب رانده می شدند.^۲

در این راه کشورهای حوزه خلیج فارس و بخصوص عربستان سعودی با افزایش روند فروش تسلیحات به آنها بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. پاکستان کشور هم مرز افغانستان در سیاست خارجی امریکا از اهمیت فوق العاده ای برخوردار و زبان گویای سیاست خارجی این کشور در قبال شوروی شد. علاوه بر اینکه پس از اشغال توجه امریکا به این کشور جلب شد امکانات و کمکهای زیادی را به این کشور روانه کرده و از طریق آن نیروهای مجاهدین را

۱- دانشجویان پیرو خط امام، مجموعه اسناد لانه جاسوسی، (شماره ۲۹)، افغانستان: آغاز بحران، بخش اول، ص ۱۴۱.

۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک. به «بحران افغانستان از چند دیدگاه» (به نقل از نشریه Strategic studies) اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سوم، شماره دوم (آبان و آذر ۱۳۶۱)، ص ۱۹.